

نویسنده: م. ک. بهادارا کمار «M.K. Bhadrakumar» .
منبع و تاریخ نشر: از ارشیف بهادارا کمار «2021-09-01» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ظهور و عروج قطرناشی از حاکمیت طالبان در افغانستان

Rise and Rise of Qatar in Taliban-ruled Afghanistan

قطر خود را در موقعیتی قرار داده است که نقش بزرگی در بازسازی افغانستان ایفا کند. شاید بتوان تصور کرد که ممکن است شرکت های غربی از طریق قطر فعالیت کنند .

Qatar is positioning itself to play a big role in the Afghan reconstruction. Conceivably, the western companies may operate through Qatar



شیخ تمیم بن حمد آل ثانی ، امیر قطر (R) از عبدالغنی برادر ، بنیانگذار طالبان (دوم-دوم) ، دوحه ، سپتامبر 2020

هنگامی که وزارت خارجه ایالات متحده اعلام کرد که در 30 آگوست میزبان یک نشست وزیران مجازی با "شرکای کلیدی در مورد افغانستان" خواهد بود، یک لیست شگفت انگیز در لیست شرکت کنندگان وجود داشت. به غیر از متحدان آمریکا در ناتو و اتحادیه اروپا، یک کشور شریک منفرد غیر غربی-قطر وجود داشت.

چیزی که این کشور شبه جزیره عربی را برای دعوت برای پیوستن به چنین حلقه ممتازی از متحدان غربی آمریکا واجد شرایط می داند، هنوز در حال غرق شدن نیست. البته، دو چیز به طور همزمان به ذهن می آید-دوحه محل مذاکرات صلح آمریکا و طالبان در مورد افغانستان بود جایی که بیش از 20 رهبر ارشد طالبان (به همراه خانواده هایشان) در سالهای اخیر در آنجا اقامت گزیدند، و ثانیاً، فرماندهی مرکزی ایالات متحده، که ایستگاه اصلی کلیه عملیات های افغانستان در آینده است، مقر آن در دوحه است.

وزیر امور خارجه **آنتونی** «بایدن» وقتی دیروز اعلام کرد که واشنگتن حضور دیپلماتیک آمریکا در کابل را «تعلیق» کرده و «عملیات ما را به دوحه منتقل کرده است» مورد سوم را نیز اضافه کرد و این به زودی به طور رسمی به کنگره اعلام می شود. به گفته **بلیکن**، «ما از این پست در دوحه برای مدیریت دیپلماتی خود با افغانستان از جمله امور کنسولی، مدیریت کمک های بشردوستانه و همکاری با متحدان، شرکا و ذینفعان منطقه ای و بین المللی برای هماهنگی تعامل و پیام رسانی خود به طالبان استفاده خواهیم کرد.» بیشتر بخوانید

واضح است که ایالات متحده نه تنها از نظر لجستیکی بلکه از نظر سیاسی و دیپلماتیک به قطر اهمیت می دهد تا راهبردهای آینده خود را به سمت افغانستان تحت اداره طالبان هدایت کند. این امر پیامدهای گسترده ای برای قطر، دولت طالبان، استراتژی های منطقه ای ایالات متحده و ژئوپلیتیک غرب آسیا خواهد داشت.

چگونه قطر درگیر چنین بازی خطرناک قدرت های بزرگ شد؟ البته، قطر شهرت زیادی دارد زیرا در سراسر منطقه غرب آسیا بیش از وزن خود مشت زده است. از غزه تا سوریه، مصر تا لیبی و حتی یمن به طور لحظه ای. شرکت های آن به ندرت موفق بودند، اما این امر قطر را منصرف نکرد. بنابراین، اگرچه بهار عربی پژمرده شد، اما قطر هنوز پناهگاهی امن برای تبعیدیان اخوان المسلمین است.

این کشور به عنوان یک کشور بسیار ثروتمند، منابع زیادی برای صرفه جویی در اختیار دارد. اگرچه یک رژیم الیگارشی که دارای تعدادی قوانین سرکوبگر است و منتقدان داخلی خود را ساکت می کند، قطر به طرز چشمگیری موفق بوده است که خود را به عنوان چراغ گشودگی در منطقه ای سرکوبگر و به عنوان پناهگاهی برای کسانی که از مستبدان عرب فراری هستند معرفی کند. نبوغ آن در ایجاد شبکه الجزیره یک ضربه مغزی بود - ایستگاه ماهواره ای عربی محبوب که نظرات سرکوب شده را در سایر نقاط خاورمیانه پخش می کند.

حساب قطر چالشی دلهره آور برای دو خودکامه قدرتمند عرب، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. شبح برادران آنها را تسخیر می کند، و در واقع، قطر با سرپیچی استراتژیک خود پیاپی می بلند از نظم منطقه ای چند مرکز در غرب آسیا را منتقل می کند. در واقع، طبیعت التقاطی سیاست های منطقه ای قطر به این کشور حضور گسترده ای در شرایط مختلف مانند عربستان سعودی و رقابت های امارات با ایران و

ترکیه می دهد .

بنابراین ، خیانت قطر با طالبان را نباید یک شیفتگی عجیب و غریب دانست. قطر با تدبیری سرد روابط را تقویت کرد. در واقع ، این یک رابطه ده ساله است که نمایندگان طالبان به طور مخفیانه در حدود سال «2010» وارد قطر شدند تا با مقامات غربی صحبت کنند. بیشتر بخوانید.

مهمتر از همه ، می توان به بیگانگی طالبان از عربستان سعودی و امارات پی برد. با بازنگری طالبان در اشتباهات خود در دهه 1990 و بسته بندی مجدد خود ، متوجه شد که بسیاری از تظاهراتی که در زمان قدرت در کابل به دست آورده بود به دلیل وابستگی بیش از حد رژیم به عربستان سعودی و امارات متحده عربی (که تنها دو مورد بودند) بوده است. کشورهایی که دولت طالبان را به غیر از پاکستان به رسمیت شناختند .

چنین وابستگی مفرطی باعث شد طالبان ویژگیهای وهابی را در پیش بگیرند ، هر چند اینها برخلاف اسلام سنتی (دیوبندی) بود که در افغانستان اجرا می شد. دکتترین سلفی غیر قابل تحمل ، شیوه شریعت رژیم طالبان را در بر گرفت. به نوبه خود ، اطلاعات سعودی یک روز میدانی در افغانستان در زمان رژیم طالبان داشت و از این کشور به عنوان سکوی پرتابی برای بی ثبات سازی ایران استفاده کرد. تهران احتمالاً دیرتر شک کرد که آیا این طالبان بوده اند که 11 دیپلمات ایرانی را در آگوست 1999 از کنسولگری در مزار شریف خارج کردند (که هنوز هم هنوز کشف نشده اند) .

به هر حال ، ایران دیگر طالبان را علناً سرزنش نمی کند. به یاد داشته باشید که ترکی بن فیصل آل سعود ، شاهزاده سعودی ضد ایرانی ، دوست **اسامه بن لادن** از سال «1979» تا (23) سال یعنی به مدت «23» ریاست اداره اطلاعات عمومی عربستان سعودی را ده روز قبل از حملات «11» سپتامبر در سال (2001). بعهده داشت.

شاید دولت ترامپ ترجیح می داد عربستان سعودی میزبان مذاکرات طالبان باشد ، اما گسست طالبان و سعودی هزینه ای در بر داشت. در حقیقت ، چنین نظری دوباره در سال «2020» توسط رئیس جمهور اشرف غنی مطرح شد اما طالبان این ایده را رد کردند ، احتمالاً با موافقت پاکستان که روابط خود با عربستان اخیراً ناپایدار است. بیشتر بخوانید

به قطر اعتماد کنید تا از چنین فرصت شگفت انگیزی برای ایفای نقش کلیدی در گفتا نهی آمریکا و طالبان استفاده کند. قطر سخاوتمندانه میزبان مقامات ارشد طالبان بود و رابطه ای آغاز شد که دوحه در جایگاه خوبی قرار خواهد گرفت .

آنچه باید منتظر ماند این است که طالبان تا چه حد در برابر رهبران اخوان المسلمین که بیش از یک دهه پایگاه مهمان نوازی در قطر داشته اند ، حساس شده اند .

برادران ، مطمئناً الگویی برای کار مردمی برای ادغام با جامعه بوده اند و هیچ مشکلی با زنان مسلمان که کار می کنند یا تحصیل می کنند نداشته اند. برخی نشانه ها حاکی از آن است که طالبان در آستانه تغییر قرار دارند .

در همین حال ، ترکیه امیدوار است از دفترهای خوب قطر برای ایجاد روابط با دولت طالبان استفاده کند. ترکیه تلاش کرد حتی پس از خروج نیروهای آمریکایی از منافع آمریکا و ناتو در فرودگاه کابل نمایندگی کند. اما طالبان از ترکیه می خواهند تا «31» آگوست نیروهای خود را از افغانستان بیرون کند این تصمیم عاقلانه ای بود. ترکیه شهرت مشکوکی دارد که به بهانه ای نیروهای خود را در کشورهای خارجی مستقر کرده و با گذر زمان آن را بی پایان می کند. عراق ، سوریه ، لیبی ، آذربایجان نمونه های فعلی هستند با این حال ، گفته می شود که طالبان برای غیرنظامیان قطری که فرودگاه کابل را مدیریت می کنند ، باز هستند. با این حال ، ترکیه هنوز امید خود را از دست نداده است. چگونه این حرکت می کند نشان می دهد که باها از کدام طرف می وزد.

عربستان سعودی و امارات متحده عربی ماموریت خود را در کابل تخلیه کردند. در مجموع ، قطر یکی از سه شریک اصلی طالبان می شود ، بقیه پاکستان و ایران هستند با این اوصاف ، قطر با ید نسبت به بلند پروازی های پاکستان برای حفظ قدرت خود در افغانستان تحت کنترل طالبان حساس باشد. شاید پاکستان دوست نداشته باشد که دولت بایدن به عنوان شریک اصلی آمریکا در افغانستان از آن دور شده است. رئیس جمهور بایدن در 20 آگوست شخصاً با تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر صحبت کرد و " از امیر برای نقش مهمی که قطر در تسهیل مذاکرات بین افغانستان ایفا کرده است تشکر کرد ". کاخ سفید گفت: "دوره بربر اهمیت ادامه هماهنگی نزدیک در مورد تحولات در افغانستان و خاورمیانه گسترده تاکید کردند." اما بایدن هنوز با عمران خان نخست وزیر پاکستان گفتگوی تلفنی ندارد. قطر در حال آماده سازی نقش مهمی در با زسازی افغانستان است. شاید بتوان تصور کرد که شرکت های غربی از طریق قطر فعالیت می کنند. نکته این است که قطر دارای منابع ، تعهد و اراده سیاسی است و به خوبی با دنیای غرب ادغام شده است. سابقه سخاوتمندانه قطر در غزه در ارائه کمک های بشردوستانه و حفظ اقتصاد در شرایط دشوار گواه توانایی های این کشور است. در مجموع ، ایالات متحده پس از مشورت مناسب بدون تردید قطر را به عنوان یک شریک شماره یک خود از جهان اسلام برای ایجاد پل با دولت طالبان به صفر رساند. قطر تجویز کننده نیست. با این حال ، با توجه به اینکه قطر متحد مورد اعتماد واشنگتن برای چندین دهه است ، انتظار می رود که این کشور تأثیر مداوم بر رهبری طالبان داشته باشد.

----- **با تقدیم احترامات (02-09-2021)**

